

## **Investigating Economic Efficiency and its Foundations From the Perspective of Islamic Knowledge**

*Alireza Lashkari* (Research Institute of Hawzeh ana University, alilashkari@rihu.ac.ir)

---

### **ARTICLE INFO**

#### **Article History**

**Received:** 2021/9/20

**Accepted:** 2022/3/3

#### **Key Words:**

Efficiency,  
utility,  
need,  
welfare,  
resources,  
scarcity

---

### **ABSTRACT**

Efficiency is a fundamental concept in economics, especially microeconomics, and is an idea for the optimal allocation of resources and facilities for the production of goods and services. This concept because it can go beyond a criterion for evaluating economic activities and have a basis for social arrangements and thus the direction of society. Accordingly, the role of this concept in the formation of the economic system is very important. The place of this concept in Islamic economics, as a knowledge whose identity is formed on the basis of a different understanding of conventional economics, is investigated in this article. Using the content analysis method, after examining the concept of efficiency and its foundations and previous concepts, this article examines the related concepts in religious-Islamic knowledge and concludes that this concept is related to the type of Islamic attitude towards human beings and Economic activities are not compatible and the Islamic economic system can not be organized according to this concept.

## بررسی کارایی اقتصادی و بنیادهای آن از منظر معرفت اسلامی

علی‌رضا لشکری (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ alilashkari@rihu.ac.ir)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

کارایی مفهومی اساسی و محوری در دانش اقتصاد، و به‌ویژه اقتصاد خرد، بوده و ایده‌ای برای تخصیص بهینه منابع و امکانات برای تولید کالاها و خدمات است. این مفهوم می‌تواند از معیاری برای ارزیابی فعالیت‌های اقتصادی فراتر رفته و اساس و پایه‌ای برای ترتیبات اجتماعی باشد و در نتیجه جهت‌دهی به حرکت جامعه داشته باشد. براساسین، نقش این مفهوم در شکل‌گیری نظام اقتصادی بسیار مهم است.

در این مقاله جایگاه این مفهوم در اقتصاد اسلامی به مثابه دانشی بررسی می‌شود که بر پایه معرفتی متفاوت از معرفت اقتصاد متعارف هویت می‌یابد. این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا پس از بررسی مفهوم کارایی و بنیان‌ها و مفاهیم پیشینی آن، به بررسی مفاهیم مرتبط با آن در معرفت دینی-اسلامی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد این مفهوم با نوع نگرش اسلام به انسان و فعالیت‌های اقتصادی سازگار نبوده و نظام اقتصادی اسلام نمی‌تواند براساس این مفهوم سامان یابد.

طبقه‌بندی JEL: A13, D91, I31, P52, D61, D63

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲

### واژگان کلیدی:

کارایی،

مطلوبیت،

نیاز،

رفاه،

منابع،

کمیابی

## ۱. مقدمه

در مدلی که مطلوبیت دو فرد به تصویر کشیده می‌شود، در صورتی که تغییر وضعیت، مطلوبیت هر دو فرد را بهبود دهد برتری پارتویی<sup>۵</sup> و اگر وضعیت یک نفر بهبود پیدا کند، بدون آنکه وضعیت فرد دیگر تغییر کند کارایی پارتو اتفاق افتاده است. این قضایا اصول پارتویی را تشکیل می‌دهند (بوکانان، ۱۹۸۵). ادعا می‌شود که با کاربرد معیار کارایی از تمامی ظرفیت‌های موجود منابع برای ایجاد مطلوبیت استفاده می‌شود و هیچ عامل تولیدی معطل و بی‌کار نمی‌ماند. در نتیجه در کارایی پارتویی استفاده از تمامی منابع مورد تأکید بود.

## ۲. شرایط سه‌گانه کارایی

مفهوم کارایی پارتویی را چنانچه والترز و لیارد می‌نویسند می‌توان در حوزه مصرف و تولید تعریف کرد و با استفاده از آن به بیان کارایی سراسری پرداخت (والترز و لیارد، ۱۹۷۸).

### ۲-۱. کارایی در مصرف<sup>۶</sup>

در صورتی که به موقعیتی دست یابیم که در آن مصرف‌کنندگان برای همه کالاها و خدمات ارزش یکسانی قائل باشند کارایی در مصرف تحقق یافته است. مصرف‌کننده مطلوبیت خود از دو کالای  $X$  و  $Y$  یا  $[U^A(X, Y)$  و  $U^B(X, Y)]$  را از طریق جابه‌جایی مصرف دو کالا حداکثر می‌کند. به بیان دیگر حداکثرسازی مطلوبیت برای هر فرد از طریق تساوی زیر به دست می‌آید:

$$MRS_{XY}^i = \frac{U_x^i}{U_y^i} = \frac{-dY}{dX} \quad (1)$$

اما با تحلیلی که با استفاده از جعبه اجورث انجام می‌شود مصرف‌کننده‌ها هنوز امکان آن را دارند که از طریق مبادله با یکدیگر، مطلوبیت هر دو طرف مبادله یا دست کم یک طرف را افزایش دهند. این مبادله تا جایی ادامه دارد که مطلوبیت نهایی جانشینی دو کالا برای هر دو مصرف‌کننده یکسان باشد:

$$MRS_{XY}^A = MRS_{XY}^B \quad (2)$$

کارایی از مفاهیمی است که پس از پوست‌اندازی دانش اقتصاد از اقتصاد سیاسی به علم اقتصاد جایگاه ویژه‌ای در مباحث اقتصادی پیدا کرده است. این مفهوم به دلیل آنکه متناسب با نگرش نوین غرب به انسان و اقتصاد بود و می‌توانست نظام سرمایه‌داری را توسعه و تکامل دهد، مورد استقبال نظریه‌پردازان اقتصاد متعارف واقع شد. این ایده در راستای ایده نظریه‌پردازانی نظیر جرمی بنتام<sup>۱</sup> مطرح شد که مطلوبیت<sup>۲</sup> را نیاز اساسی انسان دانسته و جست‌وجوی نفع شخصی<sup>۳</sup> را پاسخی مناسب برای تأمین نیازهای انسان اعلام نموده و حداکثرسازی مطلوبیت هدف اساسی فعالیت‌های اقتصادی انسان قلمداد شد.

اساس این ایده بر پایه کمیابی منابع نسبت به نیازها و خواسته‌های بی‌شمار انسان‌ها بود و ادعا می‌شد از آنجاکه حتی با به‌کارگیری منابع و امکانات محدود موجود نمی‌توان نیازهای نامتناهی انسان‌ها را تأمین نمود باید کوشید آن کالاها و خدماتی را تولید نمود که متضمن بیشترین سطح از مطلوبیت است. نخستین ایده‌پردازی که تلاش نمود برای نشان دادن موقعیت حداکثرسازی مطلوبیت معیاری به دست دهد ویلفرد پارتو<sup>۴</sup> بود. مفهومی که پارتو از کارایی به دست داد گسترده‌ترین پذیرش را در میان اقتصاددانان دارد (بوکانان، ۱۹۸۵).

امروزه اقتصاد از نظر بسیاری از اقتصاددانان، همان تخصیص بهینه منابع است و برای مثال ماسگریو معتقد است اقتصاد با استفاده کارا از منابع برای تأمین بهترین خواسته‌های مصرف‌کننده مرتبط است. با این وصف کارایی نمادی از حقیقت اقتصاد است. اقتصاددانانی از این نوع میان‌کمبود منابع و حداکثر کردن مطلوبیت از طریق کارایی رابطه‌ای وثیق برقرار می‌کنند. از نظر این اقتصاددانان بهترین انتخاب در تخصیص منابع موجود با تولید بیشترین کالاها و خدمات همراه است. رسیدن به چنین وضعیتی در حوزه مصرف به این معناست که بهبود مصرف و افزایش مطلوبیت یک فرد تنها به هزینه بدتر شدن مصرف و کاهش مطلوبیت حداقل یک فرد دیگر ممکن می‌شود.

1. Jeremy Bentham.
2. Utility.
3. Self-interest.
4. vilfredo pareto.

5. Pareto Superior.

6. Effective consumption.

عملکرد تولید انجام می‌شود که در آن شرایط کارآمد و ناکارآمد تعیین می‌شود (توتولمانز، ۲۰۱۴).

در کارایی فنی که تنها حداکثرسازی تولید یک بنگاه با توجه به عوامل تولید مدنظر است، با فرض ثبات عوامل تولید و دانش فنی، تخصیص عوامل تولید به‌گونه‌ای است که افزایش تولید یک کالا به جز با کاهش تولید کالای دیگر ممکن نیست؛ اما در کارایی تخصیصی ترکیب بهینه عوامل با توجه به قیمت‌های عوامل دنبال می‌شود که از اینجا به کارایی سراسری می‌رسیم.

### ۲-۳. کارایی سراسری<sup>۳</sup>

در کارایی کلی حداکثرسازی رضایتمندی افراد که امری ذهنی است باید با کمیابی منابع و تخصیص بهینه آنها، که امری واقعی و عینی است، سازگار شود. بنابراین کارایی سراسری متضمن برابری ارزش ذهنی برحسب کالای با هزینه نهایی آن است. به بیان ریاضی

$$MRS_{xy} = - \frac{dY}{dX} = \frac{MU_x}{MU_y} = \frac{P_x}{P_y} = \frac{MC_x}{MC_y} = RPT_{xy} \quad (۴)$$

بنابراین:

$$MRS_{xy} = RPT_{xy} \quad (۵)$$

این شرط، برابری نرخ نهایی جانشینی در مصرف با نرخ جانشینی X به جای Y در تولید، شرط کارایی سراسری را تأمین می‌کند.

### ۳. توسعه کالدور-هیگس در کارایی پارتویی

کارایی کالدور-هیگس<sup>۴</sup> برای رفع مشکل کارایی پارتو عرضه شد. کارایی پارتویی در عین حال که برای نگرش جدید اقتصادی گام به جلوی بسیار مهمی بود؛ اما این اشکال بزرگ را هم دارد که بیشتر وضعیت موجود را ترجیح می‌دهد؛ زیرا تغییر وضعیت‌هایی که بهبود وضعیت یک طرف به کاهش مطلوبیت طرف دیگر نینجامد بسیار نادر است.

این تساوی بیانگر شرط کارایی در مصرف بوده و، در جعبه اجورث، در تمامی نقاط منحنی قرارداد مصرف<sup>۱</sup> برقرار است.

### ۲-۲. کارایی در تولید<sup>۲</sup>

با استفاده از تحلیلی مشابه آنچه در کارایی در مصرف گذشت، کارایی در تولید تعریف می‌شود. کارایی در تولید از طریق وضعیتی بیان می‌شود که در آن نرخ نهایی جانشینی بین عوامل تولید در همه صنایع یکسان باشد. وضعیتی که در آن نرخ نهایی جانشینی بین عوامل تولید در همه صنایع یکسان باشد دارای کارایی تولید است (والترز و لیارد، ۱۹۷۸: ۱۲). در این وضعیت تخصیص منابع به‌گونه‌ای است که افزایش تولید یک کالا تنها به هزینه کالای دیگر، و کاهش تولید آن، ممکن است. در این کارایی نرخ نهایی جانشینی عوامل تولید برای دو کالای X و Y مساوی خواهد بود:

$$MRS_{KL}^X = MRS_{KL}^Y \quad (۳)$$

اما اقتصاددانان معتقد بودند که نباید تنها به استفاده از تمامی امکانات اکتفا کرد؛ بلکه باید افزون‌بر آن به بهینه‌گی استفاده هم تأکید کرد. بنابراین علاوه بر رعایت کارایی پارتویی باید به نوعی از کارایی اندیشید که استفاده بهینه را نیز دربرداشته باشد. براساس این کارایی قبلی که تنها بر عدم اهمال منابع تأکید داشت کارایی فنی نامیده شد و مفهوم جدیدی از کارایی تحت عنوان کارایی اقتصادی مورد توجه قرار گرفت. کارایی فنی زمانی مورد استفاده است که تجزیه و تحلیل کارایی در مورد تولید به‌کار رود.

چنانچه در ادبیات اقتصادی کارایی فنی به عنوان کارایی در تولید نامیده شده و در آن عوامل تولید به‌گونه‌ای تخصیص یافته‌اند که افزایش تولید یک کالا به جز با کاهش تولید کالای دیگر ممکن نیست؛ اما در کارایی تخصیصی تأکید بر ترکیب بهینه عوامل با توجه به قیمت‌های عوامل است. بنابراین ممکن است مفهوم کارایی را با توجه به رویکرد نهاده و رویکرد داده به کارایی فنی و کارایی تخصیصی طبقه‌بندی کنیم. چنین تحلیلی براساس ارائه

3. Overall Paretian Optima.

4. Kaldor-Hicks-efficient.

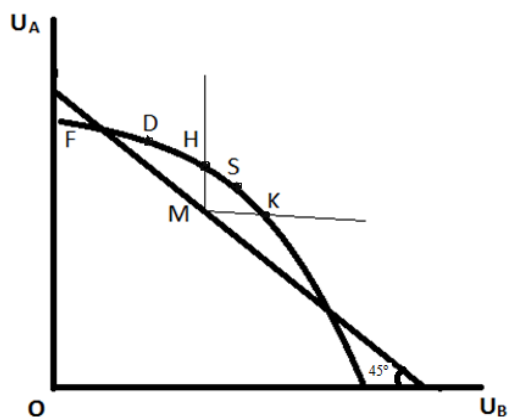
1. The Consumption Contract Curve.

2. (Effective production) یا کارایی فنی (Technological Efficiency).

بازی گر ۱	بازی گر ۲	
	$S_{21}$	$S_{22}$
$S_{11}$	(3,4)	(2,3)
$S_{12}$	(1,2)	(5,3)

این ظرفیت کارایی کالدور-هیکس توجیهی برای اجرای طرح‌های افزایش منافع جامعه و کل را به همراه دارد. کارایی کالدور هیکس در قبال کارایی پارتویی را می‌توان با کمک نمودار زیر توضیح داد. در شکل زیر نقاط FDHK روی منحنی امکانات مطلوبیت قرار داشته که حداکثر رفاه قابل حصول برای دو فرد A و B را نشان می‌دهد و تغییر از نقطه‌ای مانند D به نقطه‌ای مانند F یا H یا K غیر کاراست. این نقاط نسبت به نقاطی مانند M دارای کارایی مطلق است.

این دو نوع کارایی را می‌توان مقایسه نمود. نقطه S نسبت به نقطه M برتر است؛ اما نقطه نسبت به نقطه M برتر پارتویی نیست؛ زیرا وضعیت A با حرکت از M به D بدتر می‌شود. با نگرش کارایی مطلق D روی منحنی امکانات مطلوبیت قرار داشته و نسبت به M برتر است. همچنین نقاط H و K نسبت به M دارای برتری پارتویی هستند.



اما بنا بر کارایی کالدور-هیکس که ملاک در آن افزایش مطلوبیت یا رفاه کل است، تغییراتی که موجب افزایش رفاه کل و یا جامعه شود کارآمد تلقی می‌شود. اکنون اگر نقطه‌ای مانند S را در نظر بگیریم که زیر منحنی مطلوبیت قرار دارد، براساس دو ملاک کارایی پارتویی و کارایی کالدوری می‌توان با نقطه M مورد قضاوت

کارایی پارتو براساس نظریه اوردینالی مطلوبیت شکل گرفته و نقاط تعادلی را بدون مقایسه میان مطلوبیت‌های افراد مقایسه‌ای معرفی می‌کرد، و همین امر باعث می‌شد تحقق چند نقاط تعادلی ممکن باشد. اما کارایی کالدور-هیکس کارایی پارتویی را در چارچوب ترجیحات ترتیبی مطرح می‌کند تا بر آن اساس بتواند ایده جبران ضرر را استفاده کند.

ایده جبران به دنبال آن است که امکان تغییر را فراهم کند، مشروط بر آنکه کاهش رفاه کسانی که متضرر شوند از سوی کسانی که رفاه‌شان افزایش یافته ممکن باشد. به عبارت دیگر باید افزایش رفاه نفع برندگان از تغییر وضعیت بیشتر از کاهش رفاه متضررین باشد؛ به طوری که در صورت جبران ضرر متضررین، مقداری از افزایش رفاه باقی بماند. نتیجه این است که در چنین وضعیتی رفاه کل افزایش یافته و این تغییر کاراست.

معیار کالدور-هیکس همان معیار پارتو است با این ملاحظه که در رتبه‌بندی تعادل‌های پارتویی ارزش تجمعی مطلوبیت‌ها را مبنا قرار می‌دهد و در نتیجه این امکان را فراهم می‌کند که در موارد بیشتری رأی به تغییر دهد و از همین رو به عنوان معیار پارتویی بالقوه<sup>۱</sup> مطرح می‌شود.

با کمک جدول زیر می‌توان مطالب پیش‌گفته را بهتر نشان داد. فرض کنید دو فرد درصددند مطلوبیت خود را حداکثر کنند و بدین منظور امکان دو انتخاب دارند و با هر انتخاب مطلوبیت کسب می‌کنند. برای مثال انتخاب حالت نخست برای بازیگر ۱ به میزان ۳ واحد و بازیگر ۲ به میزان ۴ واحد مطلوبیت به دست می‌دهد. با ملاحظه حالات چهارگانه ملاحظه می‌شود که دو نقطه  $(S_{11}, S_{21})$  و  $(S_{12}, S_{22})$  کارایی پارتویی را تأمین می‌کنند. اکنون اگر قابلیت جبران کاهش مطلوبیت یک فرد توسط فرد دیگر را در محاسبه وارد کنیم، نقطه کارا به یک نقطه کاهش می‌یابد و تنها نقطه  $(S_{12}, S_{22})$  از کارایی هیکس-کالدور برخوردار است (ویزل، ۲۰۰۴).

1. potential pareto criterion.

یک نفر می‌شود و از سویی واقعاً جبران ضرر هم لازم نیست انجام شود. آنچه مهم است افزایش رفاه کل است در این صورت در برخی حالات ممکن است تغییر وضعیت و تأمین کارایی کالدوری به نابرابری بیشتر بینجامد. برای مثال به دنبال این سیاست‌داری ثروتمندان بیشتر و فقرا فقیرتر می‌شوند. اگر مقدار زیان فقرا از نفع ثروتمندان کمتر شود، چنین سیاستی، بدون نیاز به اجرایی شدن جبران، کار است.

این انتقاد به معیار کارایی کالدوری به این دلیل وارد شده که از نظر معیار یادشده رفاه همه افراد جامعه دارای ارزش یکسان است و افزایش یک واحد رفاه فرد فقیر را مانند یک واحد افزایش رفاه فرد ثروتمند ارزش‌گذاری می‌کند؛ درحالی‌که ممکن است این ارزش‌گذاری با قضاوت کلی جامعه متفاوت باشد و افزایش رفاه فرد فقیر را ارزشمندتر از افزایش یک واحد رفاه فرد ثروتمند بدانند. همچنین ممکن است برخی جوامع برای رفاه نسل‌های آینده ارزش بیشتری نسبت به رفاه نسل حاضر قائل باشند. در نتیجه مفهوم کارایی کالدوری (یا مطلوبیت کل) مبتنی بر نظام ارزشی است که در آن تغییر رفاه افراد و گروه‌ها ارزش‌گذاری می‌شود. اگر جامعه‌ای قضاوتی در مورد توزیع رفاه نداشته باشد، قادر به استفاده از مطلوبیت کل نخواهد بود. چنین قضاوتی خود مبتنی بر تعریفی است که آن جامعه از عدالت اجتماعی ارائه می‌کند (صدر، ۱۳۷۵).

گذشته از اشکالات دیگری مانند بازگشت به مطلوبیت‌های کاردینالی که به کارایی کالدوری می‌شود، مشکل اساسی این است که کارایی به‌طورکلی نظر خود را معطوف به تولید می‌کند و توزیع را مغفول می‌نهد. ماسگریو این عملکرد اقتصاددانان را از روی آگاهی می‌داند و معتقد است تمرکز بر مبحث کارایی و وانهادن مبحث توزیع به مرحله پس از تولید و تفکیک کارایی در تولید از توزیع ترفندی بود که اقتصاددانان برای خلاصی از مباحث پر مناقشه توزیع به‌کار بردند (ماسگریو و ماسگریو، ۱۹۸۹: ۶۰).

قرار داد. بنابر کارایی مطلق یا پارتویی تغییر از  $S$  به  $M$  موجب بهتر شدن وضعیت هر دو نفر شده و افزایش رفاه یک نفر به هزینه کاهش رفاه دیگری نیست و بنابراین  $M$  نسبت به  $S$  کارا نیست.

به عبارت دیگر نقطه  $S$  نسبت به نقطه  $M$  برتر پارتویی (Pareto Superior) است. براساس همین معیار می‌توان نقطه  $D$  را نسبت به نقطه  $M$  برتر ندانست؛ اما در مقایسه نقطه  $D$  به نقطه  $M$  ملاحظه می‌شود که با حرکت از  $M$  به  $D$  وضعیت فرد  $A$  بدتر شده و مطلوبیت او کاهش می‌یابد. بنابراین نقطه  $M$  نسبت به نقطه  $D$  کارایی مطلق ندارد. این در حالی است که نقطه  $M$  مانند نقطه  $S$  روی منحنی امکانات مطلوبیت است.

اکنون براساس معیار کارایی کالدوری که هر تغییری که رفاه کل را افزایش دهد کارا می‌داند، می‌توان در این مورد قضاوت نمود. براساس این ملاک تفاوت نمی‌کند که رفاه چه کسی افزایش می‌یابد و تمامی رفاه میان افراد جامعه توزیع می‌شود یا نصیب یک نفر می‌شود. آنچه مهم است افزایش رفاه کل است و با حصول چنین امری کارایی کالدوری حاصل است. اکنون می‌توان با توجه به خط  $۴۵$  درجه‌ای که با شیب منفی یک رسم شده و از نقطه  $M$  می‌گذرد سطح معینی از مطلوبیت را در نظر گرفت. نقاطی مانند  $D$  و  $H$  و  $S$  و  $K$  که در سمت راست آن قرار دارند نسبت به نقطه  $M$  از کارایی کالدوری برخوردار هستند؛ زیرا با تغییر موقعیت از این نقطه به هر یک از نقاط یادشده مطلوبیت کل افزایش می‌یابد. همچنین نقطه  $F$  که زیر خط  $۴۵$  درجه قرار گرفته، دارای کارایی مطلق است؛ اما نسبت به  $M$ ، که روی خط  $۴۵$  درجه قرار دارد، کارایی کالدوری کمتری دارد.

باید توجه کرد که معیار کارایی کالدوری عمومیت بیشتری نسبت به برتری پارتویی دارد؛ زیرا کارایی پارتویی تنها نقاطی مانند  $S$  را می‌تواند با  $M$  مقایسه کند که درون شکل  $MHK$  قرار دارد؛ اما نقاطی مانند  $D$  را کارا نمی‌داند که خارج از آن است؛ اما معیار کارایی کالدوری این مورد را نیز مشمول کارایی می‌داند.

انتقادی که به معیار کارایی کالدوری شده این است که ممکن است به کار بستن این معیار به نابرابری دامن زند؛ زیرا براساس این معیار تفاوت نمی‌کند که رفاه چه کسی افزایش می‌یابد و تمامی رفاه میان افراد جامعه توزیع می‌شود یا نصیب



#### ۴. کارایی و ارزش-خنثایی

اگرچه در مورد تابع رفاه اجتماعی گفته می‌شود که این تابع بر آن است که براساس ارزش‌ها و قضاوت‌های یک جامعه از میان نقطه‌های کارا، نقطه‌ای را انتخاب کند که متناسب با ارزش‌های جامعه است و به صراحت قضاوت‌های ارزشی در آن نقش آفرینی می‌کنند؛ اما در مورد کارایی ادعا می‌شود که نقاط کارا بر مبنای عواملی تعریف می‌شوند که ارزش-خنثی<sup>۱</sup> هستند. در این تعریف یک نقطه و وضعیت در صورتی کاراست که هیچ وضعیت دیگری وجود نداشته باشد که در آن فردی منتفع شود، بدون آنکه دیگری ضرر کند.

سابقه مباحث ارزش خنثایی علوم به دیدگاه هیوم برمی‌گردد که معتقد بود از «است» به‌طور منطقی نمی‌توان به «باید» رسید و بنابراین قضاوت‌های ارزشی از علوم تجربی و گزاره‌های مربوط به آن مستقل است. رویکرد اثبات‌گرایی بر پایه این آموزه بر جدایی ارزش از واقعیت تأکید کرده و علمی را معنادار می‌داند که براساس واقعیت شکل بگیرند. در این رویکرد معناداری یک گزاره به به امکان فروکاستن معنای آن گزاره به تجربیاتی بستگی تام دارد که قابلیت اثبات درستی و یا نادرستی آن را دارند و از آنجا که گزاره‌های اخلاقی فاقد چنین امکانی هستند «بی‌معنا» تلقی می‌شوند.

ادعا این است که کارایی نیز در حوزه اقتصاد اثباتی بوده و واقعیت رفتار و انتخاب‌های واقعی افراد را بررسی می‌کند. گفته می‌شود در اقتصاد رفاه تلاش می‌شود با استفاده از شیوه‌های اقتصاد خرد، از کوتاه‌ترین راه رفاه را حداکثر نمود؛ اما در این مورد هیچ سیاستی را توصیه نمی‌کند.

توجه به این نکته لازم است که به‌کار گرفتن اصل کارایی در توزیع منابع و یا تخصیص منابع در تولید به معنای شایسته و درست دانستن نتیجه‌ای است که از آن حاصل می‌شود. چنانچه برخی نام چنین تخصیصی را عدالت تخصیصی<sup>۲</sup> نهاده‌اند. بنابراین توزیع کارکردی حاصل از کاربرد کارایی در تخصیص منابع، که تولید کیک بزرگتری را نیز به همراه دارد، عادلانه هم هست. هر تدبیر و عملی در راستای بازتوزیع درآمدها و تأمین

عدالت توزیعی<sup>۳</sup> که موجب انحراف از کارایی در تخصیص منابع شود به کاهش تولید کالاها و خدمات منتهی شده و یک تولید شده را کوچک‌تر می‌کند. براساس این، توزیع کارکردی مبتنی بر کارایی بهتر از هر توزیع دیگر و در نتیجه منصفانه‌تر یا عادلانه‌تر است. با این وصف مفهوم کارایی در تخصیص را نمی‌توان ارزش-خنثی و یا بی‌طرف دانست.

منتقدان معتقدند شیوه مورد استفاده در قالب کارایی پارتویی در غالب موارد به نفع وضع موجود موضع‌گیری می‌کند و بنابراین سیاست عدم تغییر را توصیه می‌کند. به‌دیگرسخن، بی‌تردید متناظر با اصل کارایی، یک اصل هنجاری وجود دارد: «اگر توزیعی کارایی پارتویی باشد، تغییر این توزیع ناعادلانه خواهد بود». این اصل مالا مال از ارزش است. کارایی پارتو مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی است و این پیش‌فرض‌ها بی‌طرفی آن را با تردید مواجه می‌کند.

از نظر بلاگ اینکه اقتصاد رفاه پارتویی به قضاوت‌های ارزشی بستگی ندارد بدعتی است که آرچیبالد با شور و نشاط از آن دفاع کرده است. استدلال آرچیبالد بدین صورت ساده است؛ اقتصاد رفاه پارتویی کارایی ترتیبات برای رضایت‌مند کردن خواسته‌های داده شده در پرتو انتخاب‌هایی را بررسی می‌کند که خود افراد در راستای منافع خود انجام می‌دهند. بنابراین، برای قضایای پارتویی نیازی به هیچ داوری در مورد این خواسته‌ها وجود ندارد (بلاگ، ۱۹۹۲).

هاسمن نیز بهینه پارتو را متضمن قضاوت اخلاقی می‌داند و معتقد است یک بهبود پارتو از نظر اخلاقی مطلوب و شرایط دیگر از نظر اخلاقی مطلوب نیستند. در این صورت تخصیص ناشی از تعادل رقابت کاملی که خود مبتنی بر پیجویی نفع شخصی است بهینه پارتو بوده {قضیه اول رفاه} و در ضمن از نظر اخلاقی نیز مطلوب است.

وی همچنین معتقد است در بهینه پارتو «سایر چیزها» ثابت دانسته و ملاحظه نمی‌شوند. در این بهینه چیزهایی را می‌توان بهبود ببخشید که رجحان‌های دیگر را کاهش ندهد. بدین ترتیب این بهینه موضوعی برای انتقادات اخلاقی نیست؛ اما اگر «چیزهای دیگر» [که ثابت دانسته‌ایم] مورد ملاحظه قرار بگیرند،

1. value-neutral.

2. Allocative Justice.

3. Distributive Justice.

صورت می‌گیرد که منابع برای تحقق خواسته‌های بی‌شمار انسان‌ها محدود است و گریزی از انتخاب میان این خواسته‌ها نیست. بنابراین کارایی مفهومی برای تعریف حداکثرسازی نتایجی مانند مطلوبیت از داده‌هایی مانند منابع موجود است. در کارایی اقتصادی آنچه هدف تلقی می‌شود حداکثرسازی مطلوبیت/منفعت شخصی است. این هدف‌گذاری براساس تعریفی انجام شده که از انسان اقتصادی صورت گرفته است. اما انسان اقتصادی خود محصول نگرش فردگرایانه به انسان است. چنانچه خواهیم دید در این نگرش فرد یک واحد مستقل و از هویتی قائم به ذات برخوردار است. او در انتخابگری خود مختار بوده و انتخابش نیز براساس آگاهی کامل از ترجیحاتش است. در این دیدگاه تنها مرجع تشخیص مطلوبیت و خیر، فرد است.

#### ۶-۲. فرد موضوع شناخت

نگرش جدید اقتصادی، براساس تحلیل مکانیکی ماهیت انسان را به مثابه پدیده‌ای محدود به افق طبیعت مطالعه می‌کرد. در نگرش مکانیستی شناخت طبیعت همان شناخت علل فاعلی پدیده‌هاست. این نگرش قائل به عینیت طبیعت و انسان بود. از سویی، طبیعت، شامل درون انسان و روحیات او بوده و روح و روان انسان نیز باید عینی می‌شد تا از طریق تحلیل مکانیکی فعالیت‌های اقتصادی انسان تحلیل شود که معلول علل فاعلی است. نیل به فضیلت که در حوزه علل غایی معنا پیدا می‌کند در چارچوب این نگرش نمی‌گنجد و به همین جهت حائز معنایی در فعالیت‌های انسان نیست. در نتیجه اخلاق فضیلت‌مدار به کلی از حوزه شناخت حذف شد. در مقابل، اخلاقی که هماهنگ با رویکرد مکانیستی به انسان اقتصادی یا پیامدگرایی اخلاقی<sup>۳</sup> باشد می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد.

#### ۶-۳. فردگرایی اخلاقی لازمه دیدگاه کارایی در اقتصاد

یکی از فروض اصلی کارایی فردگرایی اخلاقی در قالب پیامدگرایی اخلاقی است. چنانچه گذشت پیامدگرایان اساس قضاوت خود در مورد درستی و یا نادرستی یک عمل را براساس پیامدهای آن عمل

ملاحظات اخلاقی ناشی از آن «چیزهای دیگر» می‌تواند در ارزیابی نتایج اقتصادی، نهادها و فرایندهای مرتبط، منشأ اختلاف نظر شود. بسیاری از اقتصاددانان تلاش می‌کنند از این ملاحظات اخلاقی دوری کنند (هاسمن، ۲۰۰۶).

اما هیلاری پوتنن و ویویان والش در عرصه‌ای فراتر از اقتصاد رفاه و در مورد کل دانش اقتصادی اقدام به نوشتن کتاب پایان اقتصاد عاری از ارزش<sup>۱</sup> کرده و آن را براساس این تفکر محوری نوشته‌اند که اندیشه‌های فلسفی ارائه شده از سوی اثبات‌گرایان در طول پنجاه سال گذشته، نتوانسته از زیر تیغ نقدهای صورت گرفته به سلامت عبور کند و تلاش برای مرزبندی صریح میان «واقعیت» و «ارزش» غیر ممکن بوده و در دانش اقتصاد نیز ممکن نیست (لیتل، ۲۰۱۲). ملاحظه می‌شود که در بررسی کارایی بسنده نمودن به مفهوم کارایی و پذیرفتن ادعای طرفداران در ارزش-خنثی بود آن ناکافی نبوده و لازم است به ابعاد دیگری از موضوع از جمله پیش‌فرض‌ها و بنیان‌های آن توجه نمود.

وجود بازار رقابتی یکی از مهم‌ترین پیش‌فرض‌های کارایی است. کارایی پارتویی و یا کالدوری، خواه در مصرف یا در تولید مبتنی بر فروض بازار رقابتی است؛ اما پیش‌فرض‌های دیگری وجود دارند که به نوع ارزش‌گذاری‌هایی ارتباط دارند که مقدم بر فعالیت‌های اقتصادی هستند. این پیش‌فرض‌ها در حقیقت بنیان‌های کارایی را تشکیل می‌دهند و بدون امعان نظر بدان‌ها نمی‌توان در مورد ارزش‌هایی قضاوت نمود که کارایی بر آن مبتنی است.

#### ۶. بنیان‌های کارایی

اگر کارایی شیوه‌ای دانسته شود که به مؤثرترین وجه از امکانات محدود برای نیل به هدف استفاده می‌شود دو مفهوم نقش اساسی دارند: ۱. هدف؛ ۲. امکانات و منابع.

#### ۶-۱. هدف در کارایی اقتصادی

ایده‌پردازی نظیر بنام مطلوبیت<sup>۲</sup> را خواسته اساسی فعالیت‌های انسان اعلام نمودند. حداکثرسازی مطلوبیت هدف انسان اقتصادی معرفی شد. این حداکثرسازی با ملاحظه این نکته

1. The end of value-free economics.

2. Utility.

3. Ethical consequentialism.



و تحویل می‌یابد. هر فرد مطابق ترجیحاتش، که خود بهترین قاضی در مورد آن است، باید عمل کند. این قاعده مستلزم دستیابی به بالاترین سطح از رفاه اجتماعی است. در نتیجه بعد اخلاقی اعمال فردی به بعد روش‌شناختی پیوند خورده و هر عملی مادامی اخلاقی است که همراه با تحقق ترجیحات فرد باشد.

در این دیدگاه هویت‌های اجتماعی به خودی خود، هیچ اهمیت اخلاقی ندارند. صیانت از فرهنگ، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، گروه‌ها و... تنها زمانی از لحاظ اخلاقی موجه است که ملاحظات و دغدغه‌های اخلاقی افراد مستلزم آن باشد؛ بنابراین، آنها ارزش ابزاری دارند. بسیاری از نظریات اخلاقی مغرب‌زمین به نوعی به فردگرایی اخلاقی معتقد است. به طور خاص، مطلوبیت‌گرایی که مورد اقبال اقتصاددانان نیز هست دیدگاه اخلاقی فردگرایانه دارد که تنها ارزش ذاتی اخلاقی را از آن رفاه موجودات زنده می‌داند (عربی، ۱۳۸۷).

#### ۷. اشباع‌ناپذیری انسان اساس کمیابی

این قاعده که هر فرد مطابق ترجیحاتی که خود مرجع تشخیص آن است باید انتخاب خویش را سامان دهد به ضمیمه قضیه‌ای دیگر در مورد اشباع‌ناپذیری انسان به موضوع مهمی به نام کمیابی منابع می‌رسیم و در نهایت نیاز به ابزاری برای حداکثرسازی مطرح می‌شود.

#### ۷-۱. مفهوم کمیابی و انواع آن

کمبود که مفهومی شوم تلقی می‌شود در طول تاریخ حیات بشر با او بوده است؛ اما از زمان مالتوس به عنوان نظریه‌ای در علوم اجتماعی مطرح شده است. مالتوس در زمان رشد جمعیت شهرنشین می‌زیسته و نگرانی مهم او نیروی رشد جمعیت بود. مالتوس با اعلام اینکه جمعیت با نرخ تصاعد هندسی رشد می‌کند؛ درحالی‌که نرخ رشد مواد غذایی به صورت تصاعد حسابی است پیش‌بینی کرد که در لندن قحطی و بحران تغذیه روی خواهد داد. این نوع نگرش به کمیابی به عنوان کمیابی مطلق<sup>۲</sup> شناخته شده و به کل جامعه انسانی توجه داشت و کمبود

قرار داده‌اند. به طور مشخص، یک پیامدگرا یک عمل، سیاست یا نهادی را از نظر اخلاقی درست یا مجاز تلقی می‌کند اگر نتایج آن در کل از نتایج هر گزینه دیگر بدتر نباشد. اگر نتایج یک سیاست خاص بهتر از هر گزینه دیگری باشد، این سیاست از نظر اخلاقی الزامی است (هاسمن و مک‌فرسون: ۹۹).

اما ملاک خوب و بد بودن پیامدها و نتایج هم براساس مطلوبیتی و رنجی است که برای فاعل دارد. در نتیجه اعمالی که بیشترین لذت و مطلوبیت و شادکامی<sup>۱</sup> را به همراه دارند و یا کمترین رنج و الم را به دنبال دارند شایسته‌ترین اعمال برای انجام هستند. در واقع فرد با کسب بیشترین مطلوبیت رفاه بیشتری به دست آورده و بدین ترتیب سعادت فرد حاصل می‌شود.

در این مرحله سؤالات این است که معیار برای اینکه بدانیم کدام نتیجه بهتر است و بیشترین مطلوبیت را دارد و آیا بیشترین مطلوبیت فرد ملاک است و یا مطلوبیت کل افراد؟ پارتو مطلوبیت فرد را ملاک و مبنای قضاوت قرار داد؛ اما کالدور مطلوبیت کل افراد را ملاک قرار داد و تغییراتی را تجویز نمود که بیشترین مطلوبیت کل را به همراه داشته باشند.

#### ۶-۴. فردگرایی روش‌شناختی

در این تبیین، فرد می‌تواند بدون آنکه مطلوبیت حاصل از مصرف کالاها و خدمات را اندازه‌گیری کند آن را رتبه‌بندی کرده و از بیشتر به کمتر بچیند. بدین ترتیب فرد می‌تواند دریافتی از ترجیحات خود داشته باشد و براساس آن به قضاوت میان عمل‌های انتخاب‌های مختلف بنشیند. بنابراین عملی شایسته انجام است که همراه با کسب رتبه بالاتری از مطلوبیت است و در رتبه بالاتری از ترجیحات فرد قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر هرچه را که فرد ترجیح می‌دهد به دلیل اینکه حاوی رفاه بالاتری برای اوست، خوب هم هست.

در این نگرش برای حصول بالاترین سطح از رفاه، فرد می‌فهمد، به قضاوت می‌نشیند، انتخاب و عمل می‌کند. فردگرایی روش‌شناختی شاخصه مهم این نوع نگرش به رفاه انسان است. برای نیل به رفاه جامعه انسانی، رفاه اجتماعی به رفاه افراد فروکاسته شده

2. Absolute scarcity.

1. Happiness.

براساس نگرش دینی به‌طور عام و اسلامی به‌طور خاص هدف از خلقت انسان رستگاری در سایه بندگی خداست. دنیا مزرعه آخرت است و از نیل به رستگاری اخروی از طریق بهره‌مندی از مواهب همین دنیا ممکن می‌شود. بنابراین باید از منابع جهان برای آسایش در این جهان و در جهان دیگر (فوز) تلاش نماید (یونس، ۶۴).<sup>۳</sup> این آسایش ابدی (فوز) در صورت عمل به اعمال شایسته‌ای به دست می‌آید که محدود به زمان و مکان و یا جامعه معینی نبوده و در مورد همه مؤمنان صادق است (البروج، ۱۱).<sup>۴</sup>

از سویی در اندیشه اسلامی آموزه‌ای وجود دارد که جهان آفرینش را دارای ملک و ملکوت می‌داند و نتیجه چنین اعتقادی تمایز و تفاوت میان لذات حقیقی از لذات ظاهری و زودگذر است. به عبارت دیگر لذت‌ها با توجه به رابطه‌شان با اهداف خلقت انسان و نتایجی که به‌همراه دارند ارزیابی شده و بنابراین برخی از لذت‌هایی که موجب عذاب اخروی هستند در ظاهر لذت هستند و در واقع رنج و الم می‌باشند (نساء، ۱۰)<sup>۵</sup> و به حکم عقل نباید دنبال شوند. حال آنکه در رویکرد مطلوبیت‌گرای اقتصاد متعارف رفاه امری ذهنی تلقی شده و براساس درک شهودی مستقل هر فرد دانسته و رتبه‌بندی شده ادعا می‌شود با پیجویی همین مطلوبیت‌هاست که رفاه و سعادت به دست می‌آید.

در نگرش اسلامی نیز لذات (دنیوی و اخروی) با درک درونی انسان است که انگیزه فعالیت می‌شوند؛ اما به دلیل آنکه انسان به همه زوایای عالم احاطه ندارد و در نتیجه به پیامدهای واقعی اعمال (و حتی نیاتش) آگاهی ندارد، در شناخت و رتبه‌بندی لذت‌ها و آلام به آگاهی‌بخشی مرجعی نیاز دارد که بر دنیا و آخرت احاطه دارد؛ یعنی خداوند یکتا.

۳. لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا يَبْدِلُ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَالِكُمْ هُوَ الْقَوْلُ الْعَظِيمُ. (در زندگی دنیا و آخرت مژده الهی برای آنان است، [در دنیا به وسیله وحی، و در آخرت با خطاب خداوند و فرشتگان،] در بشارت‌ها و وعده‌های خداوند هیچ تغییری راه ندارد، این است کامیابی بزرگ).

۴. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَالِكُمْ الْقَوْلُ الْكَبِيرُ؛ بی‌تردید مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده‌اند، برای آنان بهشت‌هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، این است کامیابی بزرگ.

۵. إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا. آنانکه اموال یتیمان را به ستمگری می‌خورند، در حقیقت آنها در شکم خود آتش جهنم فرو می‌برند و به زودی در آتش فروزان خواهند افتاد.

منابع را در مقایسه با نیازهای کل جامعه مطرح می‌کند. تأکید اصلی این نگرش بر استفاده واقعی از منابعی که با کمبود مواجه هستند برای دستیابی به رشد اقتصادی است. این امر تخلیه بیشتر این منابع را به دنبال دارد. با وجود به واقعیت نپیوستن پیش‌بینی مالتوس اما اقتصاد سیاسی وی در حوزه‌های مختلف نظریه‌پردازی از جمله محیط زیست به حیات خود ادامه داد (جانسون و دیگران، ۲۰۱۹: ۳) (Jonsson & etc, 2019: 3). در نتیجه درحالی‌که کل نیازهای انسان به‌طور تصاعدی در حال توسعه است منابع کمیاب به تدریج از بین می‌روند. امروزه نوماتوسیان<sup>۱</sup> با همین روش بیشتر بر منابع معیشتی مانند غذا، کالاهای عمومی و انرژی تمرکز دارند (daoud, 2009: 4).

## ۷-۲. کمیابی نسبی<sup>۲</sup> مشکل اساسی اقتصاد متعارف

در تعریف رایج از اقتصاد، کمیابی نقش محوری دارد: «اقتصاد علمی است که رفتار انسان را به عنوان رابطه‌ای بین اهداف و وسایل کمیاب که دارای کاربردهای جایگزین هستند، مورد مطالعه قرار می‌دهد» (Robbins, 1984: 16). در این تعریف کمیابی در رابطه با جهان فرد، و نه جامعه بشری، مطرح است. در نتیجه تعارض بین افراد جامعه در استفاده از منابع مورد توجه نبوده و تمرکز بر تعارض خواسته‌های فرد است. به دلیل اشباع‌ناپذیری انسان و نامتناهی بودن نیازهای او منابع فرد برای ارضای همه این نیازها کافی نیست. اکنون فرد باید از طریق جایگزینی نیازها به مهم‌ترین نیازهایش بپردازد. کمیابی نسبی با اشاره به این فرایند بر مفهوم «جانسنینی» تأکید دارد. با وجود کمبود نسبی آنچه اهمیت اساسی دارد عمل تخصیصی یا توزیعی افراد است (daoud, 2009: 3).

## ۸. نگرش اسلامی به کارایی

برای بررسی نگرش اسلامی باید روی دو مفهوم اساسی متمرکز شد که شالوده مفهوم کارایی است. این دو مفهوم عبارت‌اند از:

۱. هدف فعالیت‌های اقتصادی براساس انسان‌شناسی اسلامی که بحث نیاز و خواسته را به دنبال دارد؛
۲. تناسب منابع و هدف.

1. neo-Malthusian.

2. Relative scarcity.

انسان را در جهان آفرینش لحاظ کرده و تمامی منابع برای تأمین نیازهای مادی اش را فراهم کرده است (الصدر، ۱۴۰۸: ۳۳۰-۳۳۱).

#### ۸-۲. اشباع ناپذیری انسان در معرفت اسلامی

ملاحظه شد که روح کمیابی نسبی عدم اشباع انسان است. برآورده شدن خواسته‌ها و تمایلاتی هدف انسان تلقی می‌شود که مبتنی بر درون‌مایه حرص و آزمندی انسان است. اما در دیدگاه اسلامی نیاز برای تمایلات اشباع‌ناپذیر انسان تعریف نمی‌شود. نیاز براساس نیل به کمال تعریف می‌شود و چون رسیدن به کمال ممکن است، تأمین نیازها هم ممکن است. در این تصویر می‌توان با تخصیص درست به همه نیازها پاسخ داد و هیچ نیازی را بی‌پاسخ نگذاشت. بنابراین موضوع مهم امکان تخصیص منابع به نیازهاست. به عبارت دیگر انتخاب در تخصیص درست منابع است. بدین ترتیب در نگرش اسلامی اساس انتخاب تأمین نیازهای حقیقی که تضمین کننده فلاح و رستگاری و نیل به کمال است.

تردیدی نیست که اگر منظور از کمیابی انتخاب از میان سبدهای گوناگون منابع مورد استفاده است باز هم چنین انتخابی در اقتصاد اسلامی وجود دارد. در واقع ممکن است با استفاده نادرست از منابع نیازها به درستی تأمین نشوند؛ اما اگر استفاده درست از منابع صورت گیرد، تمامی نیازها قابل تأمین هستند. اسلام چنین معنایی از انتخاب را در مفهوم شکر گنجانده است که باید در بحث مفصل‌تری از کمیابی توجه و بررسی شود. به طور خلاصه کمیابی در اسلام به معنای استفاده درست و بجا از منابع است برای اینکه نیازهایی تأمین شوند که برای نیل به سعادت و کمال باید مورد توجه باشند. در نتیجه کارایی در اندیشه اسلامی به معنای مؤثرترین نوع استفاده از منابع برای دستیابی به رفاه و آسایشی است که ملازم با نیل به کمالات به دست می‌آید.

ملاحظه می‌شود که مفهوم کمیابی نسبی در اقتصاد اسلامی به طور اساسی با کمیابی نسبی در اقتصاد متعارف متفاوت بوده و اگر شباهتی وجود داشته باشد تنها در اسم است و به همین جهت می‌توان گفت که مفهوم کمیابی نسبی در اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف تنها در لفظ دارای اشتراک هستند.

در نتیجه می‌توان حتی به این نتیجه نیز رسید که، برخلاف نگرش بنتامی و پارتویی، رفاه و سعادت انسان براساس اموری واقعی و عینی می‌باشد. در دانش توسعه نیز رویکرد نیازهای اساسی با پذیرش همین موضوع شکل گرفته است. در این رویکرد انسان‌ها باید نیازهای اساسی شان تأمین شود که اموری واقعی و مشترک میان انسان‌هاست تا به حداقلی از مطلوبیت دست یابند.

#### ۸-۱. تناسب سعادت و نیاز

عامل دیگری که بر رویکرد نظام‌های اجتماعی و اقتصادی به مفهوم کمیابی مؤثر است رابطه میان هدف فعالیت‌های انسان و شیوه تأمین آن هدف است. این موضوع در بحث حاضر خود را به صورت چگونگی ارتباط میان هدف و نیاز نشان می‌دهد. برای یافتن رویکرد اسلامی به این موضوع باید به تفاوت اساسی دو نگرش اسلامی و متعارف در مورد اعتقاد به غایت‌مندی جهان و انسان و عدم اعتقاد به آن رجوع کرد.

در نگرش اسلامی جهان آفرینش خودبه‌خود، بی‌هدف و مهمال به وجود نیامده است. خلقت آن براساس حق می‌باشد (دخان، ۳۸ و ۳۹).<sup>۱</sup> جهان آفرینش دارای حرکت و جهت بوده به سوی خدا در حرکت است (شوری، ۵۳).<sup>۲</sup> حرکت جهان و انسان به سوی کمال به لوازمی نیاز دارد. نیازهای انسان نیز در همین رابطه تعریف می‌شوند؛ یعنی هر نیازی که با تأمین آن انسان در راستای نیل به کمال حرکت می‌کند نیازی حقیقی است و در غیر این صورت نیازی کاذب و فریبنده و مانعی بر سر راه کمال انسان است.

از آنجا که انسان و جهان حکیمانه خلق شده‌اند باید مقدمات لازم برای دستیابی به هدف آفرینش، سعادت انسان، در نظام آفرینش تعبیه شده باشد. به عبارت دیگر تمامی نیازهای حقیقی انسان باید قابل تأمین باشد. بر همین اساس شهید محمد باقر صدر کمیابی منابع از منظر اقتصاد اسلامی را انکار می‌کند. وی با استناد به آیات ۳۳ تا ۳۵ سوره ابراهیم<sup>۳</sup> مدعی است که خداوند تمامی مصالح

۱. وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ \* مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.

۲. أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ.

۳. وَسَخَّرَ لَكُمْ السَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ \* وَءَاتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ \* وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ.

## ۹. نتیجه

کارایی مفهومی اساسی و محوری در اقتصاد، و به‌ویژه اقتصاد خرد، بوده و ایده‌ای برای تخصیص بهینه منابع و امکانات برای تولید کالاها و خدمات است. در مورد کارایی ادعا می‌شود که نقاط کارا بر مبنای عواملی تعریف می‌شوند که ارزش-خنثی هستند؛ اما عده‌ای نیز با این تفکر به شدت مخالفت کرده و تلاش برای مرزبندی صریح میان «واقعیت» و «ارزش» را غیرممکن دانسته‌اند. بر همین اساس پرداختن به ابعاد دیگری از موضوع از جمله پیش‌فرض‌های و بنیان‌های آن لازم به نظر می‌رسد.

بازار رقابتی یکی از مهم‌ترین پیش‌فرض‌های کارایی است. کارایی پارتویی یا کالدوری، خواه در مصرف یا در تولید، مبتنی بر فروض بازار رقابتی است؛ اما پیش‌فرض‌های دیگری وجود دارند که به نوع ارزش‌گذاری‌هایی ارتباط دارند که مقدم بر فعالیت‌های اقتصادی هستند. این پیش‌فرض‌ها در حقیقت بنیان‌های کارایی را تشکیل می‌دهند و بدون امعان نظر بدان‌ها نمی‌توان در مورد ارزش‌هایی قضاوت نمود که کارایی بر آنها مبتنی است. در این ارتباط دو مفهوم بسیار مهم هدف و منابع بررسی شد.

هدف خواسته اساسی انسان‌ها یعنی حداکثرسازی مطلوبیت معرفی شد. این حداکثرسازی با ملاحظه این نکته صورت می‌گیرد که منابع برای تحقق خواسته‌های بی‌شمار انسان‌ها محدود است و گریزی از انتخاب میان این خواسته‌ها نیست. برای اینکه این هدف پذیرفته شود باید تغییراتی در نوع نگرش به انسان و جهان صورت گیرد. فردگرایی که از نتایج تغییر نگرش به جهان، انسان و علم بود از جمله پیش‌فرض‌های آمیخته با قضایای ارزشی بود. تحلیل مکانیکی انسان به شناخت علل فاعلی و در نتیجه سودجویی شخصی به مثابه انگیزه و علت فاعلی فعالیت‌های انسان به طرد هر نوعی از ماوراءالطبیعه و گرایش‌های غایت‌گرا پرداخت.

برای بررسی نگرش اسلامی باید بر دو مفهوم اساسی متمرکز شد که شالوده مفهوم کارایی است: نخست هدف فعالیت‌های اقتصادی براساس انسان‌شناسی اسلامی که بحث نیاز و خواسته را به دنبال دارد و دوم نیز تناسب منابع و هدف است. براساس نگرش

دینی به‌طور عام و اسلامی به‌طور خاص هدف از خلقت انسان رستگاری و فلاح انسان در سایه بندگی خداست. دنیا مزرعه آخرت است و از نیل به رستگاری اخروی از طریق بهره‌مندی از مواهب همین دنیا ممکن می‌شود.

از سویی در اندیشه لذت‌ها با توجه به رابطه‌شان با اهداف خلقت انسان و نتایجی که به همراه دارند ارزیابی شده و بنابراین برخی از لذت‌های دنیوی که موجب عذاب اخروی هستند در ظاهر لذت هستند و در واقع رنج و الم می‌باشند. همچنین به دلیل آنکه انسان به همه زوایای عالم احاطه ندارد و در نتیجه به پیامدهای واقعی اعمال (و حتی نیاتش) آگاهی ندارد، در شناخت و رتبه‌بندی لذت‌ها و آلام به آگاهی‌بخشی مرجعی نیاز دارد که بر دنیا و آخرت احاطه دارد؛ یعنی خداوند یکتا. در نتیجه می‌توان حتی به این نتیجه نیز رسید که، برخلاف نگرش بنتامی و پارتویی، رفاه و سعادت انسان براساس اموری واقعی و عینی می‌باشد.

رابطه میان هدف فعالیت‌های انسان و شیوه تأمین آن هدف از عواملی است که بر تلقی از مفهوم کمیابی مؤثر است. برای یافتن رویکرد اسلامی به این موضوع باید به تفاوت اساسی دو نگرش اسلامی و متعارف در مورد اعتقاد به غایت‌مندی جهان و انسان و عدم اعتقاد به آن رجوع کرد. جهان در نگرش اسلامی، غایت‌مند خلق شده و در حرکت به سوی کمال است. حرکت جهان و انسان به سوی کمال دارای لوازمی است. نیازهای انسان در این ملازمه تعریف می‌شوند. هر نیازی که با تأمین آن انسان در راستای نیل به کمال حرکت می‌کند نیازی حقیقی است و در غیر این صورت نیاز کاذب و فریبنده و مانعی بر سر راه کمال انسان است. خلقت جهان و انسان مبتنی بر حکمت الهی مقتضی آن است که امکان تأمین نیازهای انسان که از مقدمات نیل به هدف غایی است در نظام آفرینش تعبیه شده باشد.

افزون‌براین، در دیدگاه اسلامی نیاز برای تمایلات اشباع‌ناپذیر انسان تعریف نمی‌شود. در این تصویر می‌توان با تخصیص درست به همه نیازها پاسخ داد و هیچ نیازی را بی‌پاسخ نگذاشت. بنابراین موضوع مهم امکان تخصیص منابع به نیازهاست. به عبارت دیگر انتخاب در تخصیص درست منابع است. بدین ترتیب در نگرش اسلامی اساس انتخاب تأمین نیازهای حقیقی

است که ملازم با نیل به کمالات است و چنین معنایی موجب می‌شود نه تنها مفهوم کارایی در اندیشه اسلامی تفاوت ماهوی با مفهوم کارایی در اقتصاد متعارف پیدا کند، بلکه ساختارهای اجتماعی و اقتصادی در نظام اسلامی به‌طور اساسی با ساختار نظام اقتصاد سرمایه‌داری تفاوت خواهد داشت.

است که تضمین‌کننده فلاح و رستگاری و نیل به کمال است. بنابراین کمیابی در اسلام به معنای استفاده درست و بجا از منابع است برای اینکه نیازهایی تأمین شوند که برای نیل به سعادت و کمال باید مورد توجه باشند.

نتیجه مهم این است که کارایی در اندیشه اسلامی به معنای مؤثرترین نوع استفاده از منابع برای دستیابی به رفاه و آسایشی

## منابع

8. Hausman, Daniel. M & Mcpherson, Michael S. (2006), *Economic Analysis, Moral Philosophy, and Public Policy*, Second Edition, New York: Cambridge University Press
9. Layard, P.R.G. and Walters, A.A. (1978), *Micro economic theory*, McGraw-Hill, newYork.
10. Little, Daneil (Spring 2012), "Review of The end of value-free economics", edited by Hilary Putnam and Vivian Walsh. Routledge, 2011, 230pp. *Erasmus Journal for Philosophy and Economics*, Vol. 5, Issue 1, pp. 87-92.
11. Musgrave, R.A. and Musgrave, p. (1989), *Public Finance In Theory And Practice*, 5th Edition, McMRAW-HILL BOOK COMPANY.
12. Onur Tutulmaz (2014), "The Relationship of Technical Efficiency with Economical or Allocative Efficiency", *An Evaluation Journal of Research in Business and Management*, Vol. 2 ~ Issue 9, pp: 01-12.
13. Robbins, Lionel (1984), *An Essay on the Nature and Significance of Economic Science*, 3th edition, London: Macmillan.
14. weizel, Tim (2004), *Economics of Standards in Information Networks*, Physica-Verlag Heidelberg.
۱. صدر، سیدکاظم (۱۳۷۵)، *اقتصاد صدر اسلام*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲. الصدر، السیدمحمدباقر (۱۴۰۸)، *اقتصادنا*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۳. عربی، سیدهادی (۱۳۸۷)، «از اقتصاد اثباتی تا اقتصاد هنجاری، بنیان‌های فلسفی و ارزشی اقتصاد رفاه»، *مجله روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۵۷، ص ۲۹ تا ۵۲.
4. Blaug, mark (1992), *The Methodology of Economics: Or How Economists Explain*, 2nd ed, Cambridge: Cambridge University Press.
5. Buchanan, Allen (1985), *Ethics, efficiency and the Market*, CLAREVDON PRESS, Oxford.
6. Daoud, Adel (2009), *Robbins versus Malthus' view of scarcity: absolute and relative scarcity*, This is version number 1 of the manuscript, will be provided prior to the conference, Department of Sociology, Gothenburg University.
7. Jonsson, Fredrik Albritton, Brewer, John, Fromer, Neil and Frank Trentmann (2019), *History, Politics, Society and Sustainability, Scarcity in the Modern World , 1800-2075*, BLOOMSBURY, BLOOMSBURY ACADEMIC and the Diana logo are trademarks of Bloomsbury Publishing Plc.